

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهروز سورن
۲۲ فروری ۲۰۲۳

منشور مطالباتی نهادها کنشی از اعماق



با گذشت زمان و تداوم جنبش انقلابی خطوط و مرزها در میان اپوزیسیون داخل و خارج رژیم شفاف سازی میشود و غبارها و توهمات موجود که غالباً از سوی سلطنت طلبان و توانایی های رسانه ای شان ایجاد شده بود کنار میروند. این طیف با گرد و خاک پراکنی، تبلیغات سازماندهی شده شان را منسوب به جنبش های داخلی میکنند و در نشست واشینگتن وعده داده اند که منشوری قرار است از داخل کشور بیاید و آنها سخنگوی داخل کشور هستند. اقدام بجای سیاسی نهادهای باسابقه مستقل در داخل کشور در انتشار منشور مطالباتی ۱۲ ماده ای حداقلی که روزهای قبل به اطلاع عموم رسید رویکردی است مترقی در برابر همه موج سوارانی که با کمترین پایگاههای اجتماعی فعال در جنبش اخیر ولی در پی قبضه قدرت سیاسی مطلق پسا جمهوری اسلامی هستند. حقیقت امر این است که این طیف غالباً سلطنت خواه علیرغم فریادهای دموکراسی طلبانه شان در عمل با طرح شکست خورده (وکالت میدهم)، اعزام دسته های فشار به تظاهرات دگر اندیشان، تبلیغات دروغین پر حجم از سوی رسانه مزدور (شبکه من و تو) و سایر رسانه های پر مخاطب وابسته، کمربندهای خود را برای حقنه کردن رضا پهلوی بعنوان رهبر سفت کرده بودند.

حرکت بجای نهادهای منتشر کننده مطالبات حداقلی در داخل کشور نه تنها بلحاظ سیاسی اقدامی شایسته در شرایط موجود بود که بلحاظ زمانی نیز بموقع و بلحاظی کنشگرانه در برابر تلاش بخشهای بشدت تفرقه افکن راست با لشگری از مرتجعان واپسگرا، تیره های لمپن و بدنام کننده جنبش زن، زندگی آزادی بوده است. با نگاهی به مطالبات دوازده ماده ای این منشور اگر چه بلحاظ موضوعی برای جامعه سیاسی داخل و خارج کشور مطالباتی شناخته شده است، اما طرح آن از سوی پر شمار نهادهای کنشگر داخلی نشانی از برداشتن گامهای ابتدایی گفتمان اتحاد وسیع در داخل کشور است. واضح است که در میان انبوه غلیانهای اجتماعی ضرورتها خود را به جنبش تحمیل می کنند از جمله این

ضرورت ها نیاز به ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی و پیوند و ارتباط هر چه بیشتر آنهاست. تداوم زمانی جنبش ها این فرصت را برای دستیابی به این نیاز فراهم خواهد آورد که جنبش ژینا نیز از این ویژگی برخوردار بوده است. در آینده و با پیشروی جنبش انقلابی قطعا شاهد رویش تشکلهای صنفی و سیاسی بسیاری در داخل کشور خواهیم بود اما جامعه سیاسی در این مقطع زمانی حساس می بایستی میان تشکلیابی خود بخودی و شبیه سازی های مغرضانه و مضر برخی از نیروهای سیاسی تفاوت بگذارد و در این رابطه با تامل بیشتر و هشیاری مضاعف به ارزیابی از موقعیت های سیاسی بپردازد.

پس از انتشار منشور مطالبات حداقلی نهادها شاهد موجی از حمایتها از سوی نهادهای مستقل و آزاد از آن بوده ایم. این پشتیبانی ها در قالب اطلاعیه و بیانیه از سوی نهادهای داخل و خارج از کشور صورت گرفته است و می رود تا شاخصه های قطبی سیاسی و توانمند را برای تبدیل شدن به مانیفستی از قدرت اجتماعی در جنبشهای جاری را بیابد. مانیفستی که اولاً منبع و مآخذ آن مشخص است (نهادهای مداخله گر و موثر در جنبش جاری) و دوماً منطبق با خواست ها و مطالبات بیان شده در جنبشهای خیابانی، دانشگاهی و فرهنگی، کارگری و لایه های دیگر اجتماعی میباشد. بر اساس گزارشات و اطلاعاتی که در شبکه های رسانه ای و اجتماعی منتشر شده است تا کنون دهها نهاد کم و بیش شناخته شده در داخل و بسیاری از سازمانها و احزاب در خارج از کشور به جمع پشتیبانان این کنش فعالین صنفی و مدنی پیوسته اند. اهمیت اقدام جمعی نهادها از این جهت است که میتواند سنگ پایه اعتصابات سراسری را در چشم انداز نزدیک بنا نهاده و بنیه جنبش زن، زندگی آزادی را بشکل تصاعدی و استبداد سوز بالا ببرد.

آنچه تا کنون کسری جنبش های خیابانی علیرغم شهامت و جسارت جوانان در خیابانها و هزینه های بسیار، بحساب می آمد کم رنگ بودن پیوند این جنبش با مطالبات عمیق اقتصادی در بطن جامعه و بعبارت دیگر عدم تلفیق شعار زن، زندگی آزادی با شعار نان، کار آزادی بوده است که منشور مطالبات حداقلی توانسته است به آن و در حد توان و مطابق با حداقلهای موجود در مطالبات عمومی پاسخی روشن و شفاف بدهد. علیرغم تفسیرهای تحلیلگران سیاسی بویژه چپ (زندگی) دربرگیرنده مطالبات اقتصادی در اعماق جامعه بطور شفاف نیست و از همینرو این مانیفست پایه ای در بیان این ضرورت بسیار موفق بوده است. قطعا در این ارتباط نیز نکته گیرها و نقدهای متعددی از سوی افراد و تشکلهای بخصوص در خارج از کشور که همگان بخوبی می شناسند صورت خواهد گرفت و اینکه بعنوان مثال چرا از سرنگونی رژیم سخنی نیست و این مطالبات از چه کسی یا نهادی صورت میگیرد و ...

حقیقت اما نشان میدهد که جمهوری اسلامی با توجه به تاریخچه اش قادر به پاسخگویی حتی یکی از بندهای این مطالبات حداقلی نیست و ستونهای هنوز ایستاده اش با پذیرش حتی یکی از آنها فرو خواهد ریخت. این اقدام هوشمندانه میتواند جنبش ژینا را به فاز جدیدی از مبارزات جاری هدایت کند و پشتیبانی بیدریغ از آن وظیفه ای انقلابی و در امتداد مبارزات زنان و مردان کشورمان است.

۲۰۲۳/۰۲/۲۰